

بررسی دیپلماسی عمومی فدراسیون روسیه در آسیای مرکزی (۲۰۱۶-۲۰۰۰)

دکتر عباسقلی عسگریان* / علی تاجیک** / رحیم نوروزی***

چکیده

باتوجه به اهمیت روزافزون و نقش آفرینی موثر دیپلماسی عمومی در سیاست بین‌الملل، کشورها سعی در استفاده‌بردن هرچه بیشتر از این ابزار جهت پیش‌برد منافع سیاسی خود دارند و به این منظور در زمینه‌هایی چون قدرت نرم، دیپلماسی دیجیتال، دیپلماسی گردشگری، قدرت هوشمند و ... برای تقویت دیپلماسی عمومی خودشان سرمایه‌گذاری می‌کنند. این مقاله ابتدا به بررسی دیپلماسی عمومی روسیه و نقاط ضعف و قوت آن در زمینه‌های مختلف و میزان فعالیت و توفیق و عدم توفیق آنها در حیطة‌های مختلف دیپلماسی عمومی می‌پردازد و نشان می‌دهد چطور روسیه سعی در استفاده و سود بردن از مزیت‌های خود در دنیای دیپلماسی عمومی دارد. دیپلماسی عمومی فدراسیون روسیه در زمینه‌های مختلفی همچون زبان، فرهنگ، تمدن، دانش زبان دوم و پیشینه تاریخی و ... در آسیای مرکزی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و نقاط ضعف و قوت هر کدام از آنها در هر زمینه بررسی شده. در این راستا، این مقاله درصدد پاسخ به این سؤال است که مهم‌ترین جنبه‌های دیپلماسی عمومی روسیه در آسیای مرکزی در دوره بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ چیست؟ بر این اساس فرضیه این مقاله بیان می‌دارد روسیه بیشتر بر پیشینه فرهنگی و تمدنی مشترک با آسیای مرکزی برای پیش‌برد دیپلماسی عمومی خود در این منطقه تأکید می‌کند. روش پژوهش مبتنی بر راهبرد پژوهشی توصیفی-تحلیلی است.

کلید واژه‌ها

دیپلماسی عمومی، قدرت نرم، روسیه، آسیای مرکزی، پسا شوروی.

* استادیار دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

** دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه (نویسنده مسئول)

Mohammadtajik13@gmail.com

*** دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

مقدمه

از جمله مسائلی که بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته، مسئله تأثیرگذاری بر افکار عمومی است که به نوبه خود بر سیاست‌گذاری دولت‌ها اثرگذار است. چنین سیاستی را باید در قالب دیپلماسی عمومی یا دیپلماسی عمومی شده مورد بررسی قرار داد که خود یکی از اثرات جهانی شدن و انقلاب ارتباطات و اطلاعات است. هرچند که این نوع از دیپلماسی در گذشته نیز اعمال شده است، با این حال پایان جنگ سرد و اقتصادی شدن و روندهای جهانی شدن موجب شده تا در رقابتی درگیر شوند که لازمه آن نه تنها داشتن قوای نظامی قدرتمند و یا اقتصادی شکوفا است بلکه داشتن مشروعیت در میان افکار عمومی جهانی را طلب می‌کند که خود نیازمند داشتن قدرت ترغیب دیگران در جهت هدف مورد نظر یا همان قدرت نرم است. از جمله مناطقی که به طور جدی هدف دیپلماسی عمومی سایر کشورها قرار گرفته آسیای مرکزی است. این منطقه پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های خودمختار آن محل تاخت و تازهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. بازیگران صاحب نفوذ در این منطقه با بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی سعی در هر چه بیشتر کردن نفوذ خودشان در این منطقه و پر کردن خلأهای به وجود آمده پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دارند تا به وسیله دیپلماسی عمومی اهداف سیاسی، اقتصادی، نظامی و... خود را عملی کنند.

بازیگر مهم منطقه‌ای که ظرفیت و توانایی بالایی در تأثیرگذاری بر کشورهای آسیای مرکزی از طریق دیپلماسی عمومی را دارا می‌باشد روسیه هست که به واسطه زبان، وابستگی‌های فرهنگی و اشتراکات تاریخی توان بالایی در حیطه دیپلماسی عمومی در آسیای مرکزی دارد. روسیه با تأکید بر سابقه تاریخی اتحاد جماهیر شوروی و یکی بودن تمامی آن کشورها با یکدیگر و اشتراک زبانی، به طوری که تقریباً تمامی مردم کشورهای آسیای مرکزی قادر به تکلم با زبان روسی هستند و زبان رسمی بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی روسی هست، سعی در وارد کردن هرچه بیشتر آن کشورها به حیطه فرهنگی خود و تأثیرگذاری مضاعف فرهنگی به عنوان ابزار و اهرمی برای دیپلماسی عمومی دارد.

بررسی دیپلماسی عمومی روسیه

بسترهای مورد استفاده فدراسیون روسیه در حوزه دیپلماسی عمومی موارد جذب دانشجوی، مبادلات علمی، جذب نیروی کار از اتباع کشورهای پیرامونی و سپس کشورهایی که در دوران حیات بلوک شرق روابط نزدیکی با اتحاد جماهیر شوروی داشته‌اند را شامل می‌شود. این موضوع در مرحله اول شامل گروه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، سپس کشورهای عربی خاورمیانه و نهایتاً کشورهایی مانند افغانستان، ویتنام، کره شمالی و چین می‌شود. روسیه تجربه‌ای حدود صد سال فعالیت مشترک و تنگاتنگ آموزشی با جمهوری‌های پیرامونی خود دارد، منابع آموزشی آن‌ها را تدوین، مراکز آموزشی این کشورها را مدیریت کرده و زبان روسی‌زبان مشترک آموزش علوم بین همه آن‌ها بوده است. در دوره پسا شوروی نیز تلاش داشته است تا با ابزارهای مختلف مانند اعطای رتبه‌های تحصیلی، اجازه کار و تسهیلات مشابه، ارتباط با نخبگان کشورهایی که روزی در درون یک مرز و در یک جغرافیای سیاسی می‌زیستند را حفظ کند. طبق اطلاعات تأیید نشده (آمار سال ۲۰۰۹ م) دانشجویان کشورهای حوزه شوروی سابق (کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز) که از رتبه‌ی تحصیلی در روسیه استفاده کرده‌اند، حدوداً ۴۶۰۰ نفر تخمین زده می‌شود. این رقم در حال حاضر به حدود ۵۰۰۰ نفر رسیده است. تعدادی نیز خارج از رتبه‌ی تحصیلی با هزینه شخصی وارد روسیه می‌شوند. حدود تقریبی دانشجویان شاغل به تحصیل از مشترک کشورهای مستقل مشترک المنافع در روسیه ۱۰ الی ۲۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود. روسیه با اعطای رتبه سعی بر ادامه و توسعه روابط در سطوح اجتماعی با این کشورها دارد اما واقعیت این است که به جهت محدودیت‌های فزاینده اعمال شده از سوی دستگاه‌های اداری و دولتی و نیز به واسطه گروه اقدامات گروه‌های افراطی ناسیونالیست (هرسال تعدادی از مهاجرین توسط گروه‌های افراطی کشته یا به شدت صدمه می‌بینند) تلاش‌های روسیه چندان مقرون به هدف نیست و حتی موجب خشم، انزجار و تنفر اتباع کشورهای مشترک‌المنافع از روسیه می‌شود (عسگریان، ۱۳۹۴: ۱۵-۱۴).

دیپلماسی عمومی روسیه در حوزه فرهنگ و آموزش (زبان روسی)

از آنجایی که یادگیری زبان‌های خارجی به‌عنوان یکی از ابزارهای شناخت و برقراری تفاهم، با توسعه دیپلماسی غیررسمی مردم با مردم می‌تواند به گسترش کارآمد دیپلماسی رسمی میان

دولت‌ها و ترویج صلح منجر شود، دولت روسیه نیز سعی کرده با توسعه و گسترش آموزش زبان روسی نفوذ و دامنه دیپلماسی عمومی خود را در کشورهای دیگر گسترش دهد.

زبان روسی، زبان مادری حدود ۱۴۵ میلیون نفر است و ۱۱۰ میلیون نفر نیز آن را به‌عنوان زبان دوم می‌دانند. با این حساب این زبان هشتمین زبان پرتکلم جهان است (دولت روسیه معتقد است زبان روسی پنجمین زبان دنیاست). این زبان علاوه بر کشور روسیه، یکی از زبان‌های رسمی کشورهای بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و جمهوری خودمختار کریمه است. به‌علاوه یکی از شش زبان رسمی سازمان مل متحد نیز هست. مجموع این خصوصیات زبان روسی را به پرگوینده‌ترین زبان اروپا تبدیل کرده است. برای کشورهایی هم چون بلاروس، اوکراین و قزاقستان، پیوندهای فرهنگی با روسیه به دلیل روابط شخصی و خانوادگی نزدیک در سرتاسر مرزهای این کشورها با روسیه و استفاده گسترده از زبان روسی، هم‌چنان عوامل مهمی در روابط دوجانبه هستند. فدراسیون روسیه این امکان را مغتنم دانسته است و گسترش زبان روسی را به‌مثابه ابزاری جهت پیشبرد اهداف دیپلماسی عمومی خود تلقی می‌کند. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در سخنانی ضمن اشاره به اهمیت زبان روسی گفته است «اعتقاد داریم که ما بایستی فعالانه از «آژانس فدرال کشورهای CIS، هم‌وطنان ساکن خارج از کشور و همکاری بین‌المللی انسان‌دوستانه»^۱ حمایت کنیم تا آژانس مذکور ره همراه وزارت امور آموزش و علوم روسیه، برنامه «زبان روسی» را برای سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۱ اجرا کند. البته هم‌اکنون طبق دستور رئیس‌جمهور، پیش‌نویس «اصل دولتی حمایت روسیه از زبان روسی در خارج از کشور» تدوین شده است» (عسگریان، ۱۳۹۴: ۱۵).

آژانس یادشده در جهت اشاعه‌ی فرهنگ و زبان روسی اقدام به برگزاری «روز پوشکین»^۲ در بسیاری از کشورهای جهان کرده است. همچنین مراسم «سال فرهنگی» با کشورهای خارجی را برگزار کرده است. علاوه بر این اقدامات، مفهوم «جهان روسی»^۳ امری است که سیاست‌گذاران روس سعی دارند با استفاده از آن، نفوذ خود را در کشورهای همسایه تقویت کنند. در این راه از ارزش‌ها و سنت‌های روسی و امکاناتی هم چون رسانه‌های روسی در این کشورها بهره می‌گیرند. این اصطلاح به‌طور کلی نه‌تنها شامل مردمان روس در کشورهای دیگر،

^۱ The Federal Agency for the Commonwealth of Independent States, Compatriots Living Abroad and International Humanitarian Cooperation

^۲ Pushkin's Day

^۳ Russian World

بلکه شامل یک برداشت ایدئولوژیکی از فرهنگ روسی و مأموریت آن در جهان نیز می‌شود. در این میان، زبان روسی یکی از عناصر اساسی این سیاست است. به باور طرفداران این مسئله، آن‌هایی که در زندگی روزمره‌ی خود به زبان روسی صحبت می‌کنند، روسی نیز فکر و در نتیجه روسی نیز عمل می‌کنند. اشاعه‌ی زبان روسی، از سویی اجازه ترویج فرهنگ روسی را می‌دهد و از جانب دیگر می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای حمایت از روس تباران در کشورهای دیگر مورد استفاده قرار گیرد (عسگریان، ۱۳۹۴: ۱۵).

علاوه بر این اقدامات، مفهوم «جهان روسی»^۱ امری است که سیاست‌گذاران روس سعی دارند با استفاده از آن، نفوذ خود را در کشورهای همسایه تقویت کنند. در این راه از ارزش‌ها و سنت‌های روسی و امکاناتی نظیر: رسانه‌های روسی در این کشورها بهره می‌گیرند که نه تنها شامل ارتباط با روس تباران ساکن در کشورهای دیگر با هویت و فرهنگی ملی می‌شود، بلکه شامل یک برداشت ایدئولوژیکی از فرهنگ روسی و مأموریت آن در جهان نیز می‌شود. در این میان، زبان روسی یکی از عناصر اساسی این سیاست می‌باشد. به باور طرفداران این مسئله، آن‌هایی که در زندگی روزمره خود به زبان روسی صحبت می‌کنند، روسی نیز فکر کرده و در نتیجه روسی نیز عمل می‌کنند. به عبارت دیگر، اشاعه زبان روسی، از سویی اجازه ترویج فرهنگ روسی را می‌دهد و از سوی دیگر به‌عنوان مبنایی برای حمایت از روس تباران در کشورهای دیگر است (Выступление Медведева: 2012).

دیپلماسی عمومی روسیه در حوزه مذهب

بیشترین مردم روسیه پیرو کلیسای ارتدوکس هستند و هم‌اکنون این مذهب از جایگاه، قدرت و رونق خاصی در حیات دینی روسیه برخوردار است. کمتر نقطه‌ای را در شهرها می‌توان یافت که کلیسایی از قبل در آنجا وجود نداشته و یا تازگی به ساخته نشده باشد. اسقف اعظم روسیه به‌عنوان بالاترین مقام دینی این کشور در رسمی‌ترین دیدارهای سیاسی با رهبران بزرگ جهان حضور دارد و از سوی دیگر، بالاترین مقام رسمی کشور یعنی شخص رئیس‌جمهور اسقف اعظم مسکو را حتی برای بازگشایی کلیساهای جدید همراهی می‌کند. مراسم و اعیاد بزرگ کلیسا به‌عنوان یک رویداد بزرگ در کشور تلقی شده و به‌طور مستقیم از شبکه‌ی سراسری

^۱. Russian World

تلویزیونی روسیه که در تمام جمهوری‌های شوروی سابق نیز قابل دریافت است، پخش می‌شود و در نهایت، علل برخی از تعطیلات رسمی این کشور، ریشه‌های مذهبی و دینی به‌ویژه در باورهای مذهب ارتدوکس دارد (کلاشی، ۱۳۸۹: ۳).

رابطه نزدیک میان کلیسا و دولت، تاریخی طولانی در روسیه دارد. پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، «کلیسای ارتدوکس روسیه»^۱ در بسیاری از زمینه‌ها با وضعیتی کاملاً تازه روبرو شد. پس از دوره‌ای از سرکوب یا تساهل در مرزهای کاملاً بسته، این نهاد مذهبی در روسیه قادر است با آزادی عمل نسبتاً بالایی به فعالیت بپردازد. امروزه کلیسای ارتدوکس، خود را به‌عنوان نماینده منافع مردم می‌داند که لزوماً به معنای مخالفت با دولت نیست. دولت نیز به‌نوبه خود کلیسا را تضمین‌کننده‌ی انسجام مذهبی و ملی می‌داند و اکثریت مردم نیز به آن اعتماد دارند و آن را قادر به انتقال ارزش‌های روسی به کشورهای دیگر و تقویت یکپارچگی در این کشور می‌دانند؛ بنابراین هر دو نهاد دولت و کلیسا سعی دارند همکاری نزدیکی با یکدیگر داشته باشند (Анхольт 2014). این مذهب، اکنون نیز یکی از بازیگران کلیدی در عرصه‌های داخلی و خارجی سیاست روسیه است و با توجه به پیروان گسترده این مذهب در کشورهای هم‌جوار روسیه و نیز مناطق دوردست، احیای آن می‌تواند کمک بزرگی به پیشبرد منافع روسیه در خارج نزدیک کند. در عین حال امروزه یک‌چهارم جمعیت روسیه را پیروان مذهب ارتدوکس تشکیل می‌دهند و روس‌ها به این‌که خود را مدافعان واقعی این دین بنامند، افتخار می‌کنند. پوتین در سال ۲۰۰۷. م، طی سخنانی عنوان داشت که امنیت داخلی و خارجی کشورش به دو عامل بستگی دارد: نخست مذاهب سنتی و دیگری نیروهای هسته‌ای. کارشناسان نیز بر این اعتقادند که ملی‌گرایی مبتنی بر ایمان ارتدوکس، منبع ایدئولوژیکی پوتین برای اتحاد در روسیه است و روسیه قصد دارد با یکپارچه‌سازی «کلیسای ارتدوکس روسیه»، نفوذ سیاسی خود را در جهان بسط دهد. در همین راستا در ماه مه ۲۰۰۷، با حمایت دولت، شاخه‌ای از کلیسای ارتدوکس روسیه - که پس از انقلاب بلشویکی در این کشور به خارج فرار کرده و تشکیلات خود را در نیویورک فعال کرده بود - طی مراسمی در مسکو و با حضور ولادمیر پوتین، روسیه را «پاسدار مسیحیت» عنوان کرد. در همین زمینه کلیسای ارتدوکس روسیه، روابط گسترده‌ای میان کلیساهای ارتدوکس یونان، قبرس، اوکراین، بلاروس، گرجستان، ارمنستان، مولداوی و شماری از کشورهای بالکان برقرار کرده است. در این میان

¹. Russian Orthodox Church(ROC)

روابط مذهبی میان اوکراین و روسیه از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا کیف مهد دولت روس است و خواستگاه کلیسای ارتدوکس روسیه نیز محسوب می‌شود.

تأسیس مراکز دولتی جهت هماهنگی و حمایت از فعالیت‌های دیپلماسی عمومی
الف) آژانس فدرال کشورهای CIS، هم‌وطنان مقیم خارج و همکاری بین‌المللی
انسان‌دوستانه^۱.

آقای «مدودف»، نخست‌وزیر کنونی و رئیس‌جمهور قبلی روسیه در ترسیم وظایف آژانس فدرال، کارکرد این موسسه را کلیدی و هدف بسیار مهمی برای سیاست خارجی روسیه در شرایط شکل‌گیری جهان چندقطبی دانسته و کارکردهای مهم ذیل را برای آن بیان کرده است.

- رسیدگی به امور روس‌تباران مقیم خارج از کشور؛
- ایجاد حداکثر شرایط مساعد خارجی برای توسعه‌ی تعاملات کشور با استفاده از پتانسیل اتباع روس در خارج به‌خصوص روس‌تباران ساکن کشورهای عضو اتحاد جماهیر شوروی سابق؛

- اجرای سیاست خارجی روسیه به‌عنوان هدف کاربردی؛
- تهیه و اجرای برنامه‌های نوآورانه‌ای که در چهارچوب برنامه بین‌الدولی قابل اجرا باشد؛
- مدیریت در اعطا و مصرف کمک‌های بلاعوض و تسهیلاتی که طبق استانداردهای بین‌المللی در اختیار کشورهای مختلف قرار می‌گیرد، علی‌الخصوص کمک‌هایی که به روس‌تباران اختصاص دارد؛

- نظارت بر عملکرد نهادهای دولتی که در مسیر جذب دانشجویان خارجی برای آموزش در مؤسسات آموزش عالی روسیه انجام می‌دهند؛
- افزایش صددرصدی راتبه‌های تحصیلی که ترجیحاً در اختیار روس‌تباران، داوطلبین کشورهای هم‌سود، به‌ویژه کشورهای عضو جامعه مشترک‌المنافع (CIS) گذاشته می‌شود.
- تشریح مساعی میان آژانس و وزارت علوم روسیه جهت برنامه‌ریزی به‌منظور گسترش زبان روسی؛

¹ The Federal Agency for the Commonwealth of Independent States, Compatriots Living Abroad and International Humanitarian Cooperation

• تلاش برای گسترش فرهنگ روسی مانند ابتکار برگزاری مراسم «روز پوشکین» در بسیاری از کشورهای جهان یا برگزاری مراسم «سال فرهنگی» با کشورهای خارجی؛ به نظر می‌رسد این آژانس با توجه به اختیارات و صلاحیت خود، کانال منحصر به فردی جهت گسترش قدرت نرم روسیه محسوب می‌شود و بتواند در گام نخست با استفاده از پتانسیل‌هایی که طی ۸۵ سال زندگی مشترک با جوامع کشورهای هدف در حوزه اتحاد شوروی سابق به وجود آمده است و این فضا هم‌چنان وجود دارد، گام‌های بلندی در جهت تقویت مبانی قدرت نرم روسیه بردارد (عسگریان: ۱۳۹۴، ۲۰-۱۹).

ب) مرکز مطالعات اجتماعی سیاسی روسیه^۱

این مرکز در سال ۱۹۹۵. م در یک تغییر ساختاری تبدیل به مرکز اطلاع‌رسانی، مشاوره‌ای، آموزشی و سیاست‌گذاری شد. یکی از اقدامات کنونی این مرکز همکاری و تشریک‌مسابی با سایر مؤسسات غیردولتی در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی است. هم‌چنین مرکز پیش‌گفته مسئول تدوین و توسعه برنامه‌های دولت، ارتقا تعاملات بین‌المللی مسکو خصوصاً با جمهوری‌های استقلال‌یافته از شوروی سابق است.

ج) بخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی

بخش برنامه‌های شبکه سراسری روسیه در مناطقی که در زمان شوروی سابق دایر بود هم‌چنان دایر است. با توجه به این‌که هنوز بخش اعظمی از اقشار مردم (حوزه‌های آسیای مرکزی، قفقاز، کشورهای بلاروس، اوکراین و جمهوری‌های بالتیک) امکان تکلم به زبان روسی را دارا هستند، این کانال تلویزیونی و سایر کانال‌های روسی‌زبان می‌توانند در مسیر اهداف دیپلماسی عمومی و قدرت نرم روسیه فعالیت کنند. ضمن این‌که روسیه نیز در بخش رسانه بین‌المللی (شبکه‌های ماهواره‌ای) شبکه‌هایی از قبیل شبکه تلویزیونی روسی «روسیه ۲۴»، شبکه عرب‌زبان روسیه «روسیه الیوم»، «روسیه امروز» و شبکه‌های مجزایی به زبان اسپانیایی را راه‌اندازی کرده است. از طرفی، روسیه در مابازاری صدای آمریکا، «صدای روسیه» که یک

^۱. Российский общественно-политический центр

^۲. Russia 24 (P. TB.)

^۳. Russia Today (R.T.)

شرکت دولتی است را از ۲۹ اکتبر ۱۹۲۹ دایر کرده است و همچنان فعالیت دارد (عسگریان: ۱۳۹۴: ۱۷۳).

تلویزیون «آرتی»^۱ نیز از دیگر ابزارهای روسیه در تغییر دیدگاه‌ها نسبت به خود می‌باشد. این شبکه در سال ۲۰۰۵ تأسیس گردید و شبکه مجزایی به زبان‌های انگلیسی، اسپانیایی و عربی دارد که ۲۴ ساعت روز و ۷ روز هفته را برنامه پخش می‌کند. خبرنگاران آن هم در شهرهای نیویورک، واشنگتن، لندن، پاریس، دهلی و تل‌آویو مستقر می‌باشند. در عین حال پس از جنگ اوت ۲۰۰۸ با گرجستان، دفتری را نیز در تسخینوالی، پایتخت اوستیای جنوبی راه اندازی کرده است. هم‌چنین روسیه فضایی را در روزنامه‌ها و مجلات برجسته خارجی خریداری می‌کند که برای مثال می‌توان به خرید ضمیمه‌های روزنامه‌ها در هندوستان، بریتانیا، بلغارستان و ایالات متحده اشاره داشت (Культура России, 2014).

نخبگان سیاسی در روسیه، مستقیم یا غیرمستقیم بر شبکه‌های تلویزیونی مهم کشور، به‌منظور ارائه تفسیری واحد از تحولات به مخاطبان داخلی و خارجی کنترل دارند. به‌علاوه تلویزیون‌های روسیه در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و حوزه بالتیک، به‌خصوص در میان مردمان روس زبان محبوبیت زیادی دارند. به‌عنوان مثال نفوذ قوی رسانه‌های روسیه در مولداوی را می‌توان با توجه به این حقیقت درک کرد که در سال ۲۰۰۸، پوتین و مدودف و نه رهبران مولداوی محبوب‌ترین سیاستمداران در نظرسنجی‌های افکار عمومی در این کشور بودند. گفتنی است بخشی از مردم لتونی و استونی نیز کاملاً در فضای اطلاعاتی فدراسیون روسیه قرار دارند. به کمک تلویزیون‌های ماهواره‌ای نیز فرهنگ روسی گسترش بیشتری یافته و روسیه را به یک قدرت منطقه‌ای جذاب‌تر تبدیل کرده است. در سال‌های اخیر، کانال‌های تلویزیون تحت کنترل مستقیم یا غیرمستقیم دولت نیز به‌عمد بر نوستالژی دوران شوروی تمرکز کرده اند (Никонов, 2015).

دیپلماسی عمومی روسیه در آسیای مرکزی

از آنجاکه منطقه برای مدتی طولانی تحت حاکمیت روس‌ها قرار داشته است، روسیه هنوز هم خواهان استمرار نفوذ خود در آسیای مرکزی می‌باشد و لذا تمام فعالیت‌های خارجی در

^۱. Russia Today(R.T.)

نزدیکی مرزهای خود را تهدید تا قی می‌کند. این کشور در سرتاسر دهه ۱۹۹۰ تلاش دیگر دولت‌ها در این بخش از جهان را به‌عنوان شکلی از تجاوز خصمانه تلقی می‌کرد. البته بیشتر تلاش‌های روسیه جهت حفظ موقعیت خود در برابر اقدامات آمریکا در منطقه بوده است (گلشن پژوه و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۸۳).

امتیاز برای اتباع آسیای مرکزی برای تحصیل در روسیه، دانشگاه‌های روسیه در آسیای مرکزی

کرم‌لین در حال تلاش است طی یک برنامه آموزشی وطن‌پرستی ملی رسمی در مدارس، جوانان روسی را با دولت‌گرایی، وطن‌پرستی، و ایده‌های مذهبی مائوس سازد. احزاب مورد حمایت کرم‌لین واحدهای جوانان را ایجاد کردند که تا حدی یادآور اتحاد کمونیستی جوانان (کم‌سومول)، شاخه جوانان حزب کمونیست اتحاد شوروی می‌باشد. در سال ۲۰۰۵ کرم‌لین از ایجاد «جنبش جوانان ما» که جمعیت محلی را برای عمل کردن علیه معترضین آماده می‌کرد حمایت کرد. تحت حمایت پوتین، متون کتاب‌های تاریخی دوره دبیرستان بازبینی و از نو نوشته شد. در متن جدید ظلم و ستم ژوزف استالین تحت لوای رهبری قوی دیده می‌شود که این قوی بودن به دوران تزار برمی‌گردد. در این متن آمده است که بعضی وقت‌ها تاریخ روسیه از حکومت تیرانی می‌خواست که یک ملت بزرگ بسازد. همچنین متون این کتاب‌ها هم‌زمانی جهانی آمریکا را با دوران رایش سوم مقایسه می‌نمایند و کشتار وسیع شهروندان اتحاد شوروی به وسیله حکومت‌های آن دوران را با استفاده آمریکا از بمب اتمی علیه ژاپن در طول جنگ دوم جهانی مقایسه می‌کنند.

روسیه در جهت اهداف آموزشی خود در سال ۲۰۰۵. م دانشگاه دولتی زبان‌شناسی مسکو را تأسیس کرد که هدف آن آموزش دانشجویان با رویکرد ملی و به‌کارگیری فارغ‌التحصیلان در فرصت‌های شغلی در مناصب دولتی و غیردولتی و اعزام به مأموریت‌های خارج از کشور اختصاص یافته است. در واقع نگاه این دانشگاه به بعد تربیت نیروی مناسب برای اجرای اهداف سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی است. به بیان دیگر این دانشگاه مسئول تربیت نیروی کارآمد و مسلط به زبان است. پذیرش دانشجویان خارجی به‌منظور تأثیر بر نسل آینده کشورهای هدف و در راستای تحکیم و گسترش «قدرت نرم» است. ارائه خدمات آموزش عالی، اعطای راتبه

تحصیلی و ارائه خدمات کمک‌آموزشی به اتباع کشورهای مورد بحث از جمله این برنامه‌هاست (Шмагин, 2016: 61).

آموزش علوم دینی در روسیه

با استقرار شوروی، نظام کمونیستی در صدد برآمد فعالیت‌های دینی مسلمانان را محدود کند، زیرا این فعالیت‌ها توانایی آن را داشتند که جنبش‌های سازمان‌یافته ناراضیان را ایجاد کنند. لذا روند اسلام‌ستیزی آغاز شد و هزاران مسجد و مدرسه مذهبی تخریب شدند. در زمان شوروی مؤسسات اسلامی-سنتی تخریب و مراکز اسلامی بسته و تبدیل به مؤسسات اجتماعی شدند. استدلال شوروی این بود که اسلام با کمونیسم قابل جمع نیست. در سپتامبر ۱۹۲۷، سرانجام کرملین فرمانی را صادر کرد که به موجب آن، تمام دادگاه‌های شرعی لغو می‌شدند. شمار مساجد در اتحاد شوروی از ۲۶۲۷۹ در سال ۱۹۱۲ به ۱۳۱۲ مسجد در سال ۱۹۴۲ و به حدود ۴۵۰ مسجد در سال ۱۹۷۶ و نهایتاً در اواسط دهه ۱۹۸۰ به حدود ۲۳۰ کاهش یافته بود (Rywkin, 1990: 87). از دهه ۱۹۴۰ اسلام رسمی-اسلام مورد حمایت حزب کمونیست اتحاد شوروی- نهادهای خود را به صورت محدود و کنترل شده در تاشکند، اوف، ماخاچ قلعه و باکو به وجود آورد. در این بخش فعالیت‌های دینی کاملاً کنترل شده و مجاز تعریف شده بود (کولایی، ۱۳۸۴: ۲۰۹). در اواخر دهه ۱۹۷۰، در دره فرغانه گروه‌های کوچکی به صورت غیررسمی برای تحصیل علوم دینی به وجود آمد. در این گروه‌ها، به آموزش اسلام سلفی پرداخته شد. از اوایل دهه ۱۹۹۰، از میان رفتن کنترل متمرکز دوران اتحاد شوروی، رشد سلفی‌گری افراطی در آسیای مرکزی را شدت بخشید (رشید، ۱۳۸۷: ۱۷۲).

کمونیست‌ها تمام کتاب‌های با خط عربی و هر کتابی که اثری از خط عربی داشت، سوزاندند. شبیه این کار را در آسیای مرکزی قبلاً تنها مغول‌ها انجام داده بودند. ولی این هم کم بود، چرا که در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ تقریباً همه افراد باسواد کشته و یا به نواحی دوردست شمال و سیبری تبعید شدند. در آن زندان‌ها به چنین اشخاصی «عرب شناس» می‌گفتند، یعنی افرادی که سواد عربی دارند. عواقب این عملیات بلشویک‌ها در نابود کردن فرهنگ اسلامی منطقه به وجود آمدن جامعه مسلمانانی بی‌سواد از لحاظ تفکر در جامعه امروزی آسیای مرکزی است. جامعه‌ای که سلفی‌گری افراطی در آن روزبه‌روز در حال رشد و گسترش می‌باشد (شکوری، ۱۳۸۸: ۱۰۱-۱۰۰).

باین حال و باوجود تمام تنگنمایی که برای آموزش علوم دینی در آسیای مرکزی، خصوصاً در کشورهای مثل قزاقستان و ازبکستان^۱ وجود دارد، روس‌ها سعی در بهره‌برداری از این موضوع به نفع دیپلماسی عمومی خود دارند، به نحوی که در سال ۱۹۹۰ م «دانشگاه اسلامی مسکو» به عنوان نخستین دانشگاه اسلامی روسیه راه‌اندازی گردید و به عنوان یک موسسه خصوصی در مقاطع تحصیلات تکمیلی فعالیت می‌کند. این دانشگاه بر مبنای کالج اسلامی مسکو که از سال ۱۹۹۴ م فعال بود، شکل گرفته و گسترش یافته است. هدف این دانشگاه تربیت مبلغان و روحانیون دینی در زمینه علوم اسلامی است (عسگریان، ۱۳۹۴: ۱۹-۱۸).

دین

آسیای مرکزی جایگاه اصلی مهاجران مسلمان است که روانه روسیه می‌شوند، در حالی که جمعیت اسلاو روسی و کلیسای ارتدوکس همچنان رو به کاهش می‌باشد. جمعیت مسلمان روسیه به سرعت در حال رشد و تغییر دادن ساخت جامعه روسی است. زایمان و تولد هم در میان گروه‌های مسلمان بالاتر از اسلاوها است. در سال ۲۰۰۶ مناطق مسلمان بالاترین میزان رشد جمعیت در این کشور را داشتند: ۱/۷۹ درصد در چچن، ۱/۱۶ درصد در اینگوش و ۰/۶۵ درصد در داغستان، در حالی که میانگین ملی زادوولد ۰/۳۷- درصد بود (Mainville, 2006). آمار کنونی مسلمانان نشان می‌دهد جمعیت تقریبی مسلمانان معادل ۲۰ تا ۲۳ میلیون نفر است که ۷ تا ۱۶٪ جمعیت روسیه را تشکیل می‌دهند و برخلاف نمودار منفی جمعیتی در کل روسیه رشد جمعیت بین مسلمانان مثبت مضاعف بر اینکه مسلمانان در سراسر فدراتیو روسیه پراکنده هستند که این موضوع خود به لحاظ سیاسی برای مسلمانان عاملی مثبت و برای دولت روسیه عاملی منفی است (عسگریان، ۱۳۸۶: ۲۰۵).

البته به موازات رشد کمی جمعیت، توجه به دیدگاه‌های روحانیون مسلمانان، تأکیدات مکرر رئیس‌جمهور روسیه بر حضور هر چه بیشتر رهبران دینی مسلمانان روسیه در مجامع بین‌المللی و اسلامی و بسیاری پارامترهای دیگر نشان می‌دهد که روزبه‌روز بر قدرت و تأثیرگذاری مسلمانان بر جامعه روسیه افزوده می‌گردد. به همین دلیل صرف‌نظر از اینکه

^۱ در برخی از کشورهای آسیای مرکزی مثل قزاقستان و ازبکستان، کسانی که تحصیلات دینی دارند، حق آموزش یا تحصیل در هیچ یک از مراکز آموزشی را مگر با کسب مجوز از دولت‌های مطبوعشان ندارند.

^۲ Московский исламский университет: <http://www.miu.su>

گروهی در جامعه روسیه احساس خطر کرده و این خطر را گوشزد می‌کنند، برخی از دولت‌مردان نیز به این نتیجه رسیده‌اند که باید راه مدارا، تعامل و نزدیکی با مسلمانان را به‌عنوان یکی از شروط یکپارچگی روسیه ملحوظ دارند. کاهش جمعیت روس‌تبارها و افزایش مسلمانان روسیه، روسیه را به سمتی سوق می‌دهد که آینده ترتیبات و ترکیبات جمعیتی آن اجتناب‌ناپذیر می‌باشد (عسگریان، ۱۳۸۶: ۲۰۷).

روس‌ها به‌منظور ارائه وجود آزادی مذهبی در روسیه مقدمات فعالیت نهادهای اسلامی فراوانی را فراهم نموده‌اند. به‌عنوان مثال در سال ۱۹۹۹، «دانشگاه اسلامی مسکو»^۱ به‌عنوان نخستین دانشگاه اسلامی روسیه راه‌اندازی گردید و به‌عنوان یک موسسه خصوصی در مقاطع تحصیلی تکمیلی فعالیت می‌کند. در خلال سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۵ گردانندگان دانشگاه تمرکز خود را بر روی آماده‌سازی ملزومات و پایه‌ها و اساس دانشگاه قرار دادند و به تدوین برنامه‌های آموزشی و آیین‌نامه‌های آن پرداختند. و از آن سال تاکنون دانشگاه فعالیت جدی داشته است. این دانشگاه مطابق معیار و وظایف کالج اسلامی مسکو که از سال ۱۹۹۴ فعالیت دارد، شکل‌گرفته و گسترش یافته‌است. هدف آن تربیت مروجین و روحانیون دینی در زمینه‌های علمی اسلامی است (Доклад. 2013).

فعالیت دیپلماسی عمومی روسیه هرچند بر مسیحیت ارتدوکس به‌عنوان یک دین بومی شده تأکید دارد اما از سایر ادیان به‌خصوص اسلام که دومین دین بزرگ در روسیه محسوب می‌شود غافل نشده‌اند. روسیه به‌منظور نمایش وجود آزادی مذهبی در این کشور، مقدمات فعالیت نهادهای اسلامی فراوانی را نیز فراهم کرده است. به‌عنوان مثال در سال ۱۹۹۰. م «دانشگاه اسلامی مسکو»^۲ به‌عنوان نخستین دانشگاه اسلامی روسیه راه‌اندازی گردید و به‌عنوان یک موسسه خصوصی در مقاطع تحصیلات تکمیلی فعالیت می‌کند. این دانشگاه بر مبنای کالج اسلامی مسکو که از سال ۱۹۹۴. م فعال بود، شکل‌گرفته و گسترش یافته است. هدف این دانشگاه تربیت مبلغان و روحانیون دینی در زمینه‌های علوم اسلامی است (عسگریان، ۱۳۹۴: ۱۷۱-۱۷۰).

^۱. Московский исламский университет: <http://www.miu.su/>

^۲. Московский исламский университет: http://www.miu.su

جایگاه زبان روسی در زبان‌های کنونی آسیای مرکزی، رسانه‌ها، نشریات و نظام آموزشی

برای بررسی وضعیت زبان و پتانسیل‌ها و نقاط ضعف و قوت هر دو کشور ایران و روسیه در آسیای مرکزی در ابتدا می‌بایست ساختارهای زبانی و قومی مردم آسیای مرکزی را بازجست و به درکی عمیق از فرآیندهای زبانی و قومی ساکنان این منطقه و ارتباط آن خصوصاً با ایران دست یافت، چراکه هنوز هم جمهوری‌های آسیای مرکزی، با مسائلی از قبیل تعیین هویت ملی و وجود عوامل تنش‌زای زبانی و قومی خود مواجه‌اند. هویت زبانی و روابط قومی، همواره یکی از مؤلفه‌های مهم در سیاست بین‌المللی بوده و زبان و قومیت ملی، به‌مثابه دویروی سیاسی درخور توجه در روابط بین جامعه‌ها درآمده است. برای شناخت هویت زبانی و قومی در آسیای مرکزی و اینکه آیا عامل مذهبی در بین ساکنان این پهنه از اهمیت بیشتری برخوردار است یا عامل قومی، نخست باید به زمینه‌ای تاریخی و فرهنگی از زبان و اقلیت‌های زبانی در این منطقه دست یافت (علوی مقدم، ۱۳۷۱: ۱۶۵-۱۶۴).

در این بخش زبان‌های رایج در آسیای مرکزی و قفقاز، خصوصاً زبان فارسی و روسی و جایگاه آنان در نظام آموزشی کشورهای آسیای مرکزی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ازبکستان

به استناد کتاب فقه‌اللغه ترکی، زبان ملی ازبک‌ها، ازبکی است که از گروه زبان‌های ترکی خاوری به شمار می‌آید. اما در جدول تقسیم‌های زبانی جهان (دائرةالمعارف فارسی، یکی) زبان ازبکی در ذیل ترکی مرکزی آمده است. باسکاکف اظهار می‌دارد که زبان ازبک‌ها را می‌توان جز گروه زبانی قرلغ، گروه فرعی قرلغ خوارزمی نیز طبقه‌بندی کرد. این زبان نزدیکی بسیار زیادی به زبان جدید اویغوری دارد که بخش زیادی از سکنه ایالات سینکیانگ بدان سخن می‌گویند. واژگان زبان ازبکی اساساً ترکی است اما در بردارنده عنصر مهمی از واژگان قرضی عربی و فارسی نیز هست. از سده نوزدهم میلادی واژه‌های روسی نیز بدان راه یافت. برخی از ای واژگان روسی برای آسانی تلفظ آن‌ها محتمل تغییراتی شدند. در سال‌های آغازی حکومت شوروی سابق، با سرازیر شدن انبوه واژگان جدید روسی به زبان ازبکی، این گمان پدید آمد که فراوانی این واژگان به‌زودی لایه فارسی-عربی را از این زبان خواهد زدود. اما در روزگاران اخیر شاهد آنیم که میان واژگان جدید روسی و فارسی و عربی در زبان ازبکی موازنه‌ای برقرار شده است.

ازبکی گویش‌های متفاوتی دارد که آن‌ها را می‌توان به دودسته تقسیم کرد: گروه گویش‌های مرکزی از جمله گویش‌های تاشکندی، سمرقندی، بخارایی، اندیجانی و خوقندی. اکثر مدارس ازبکستان در سطوح ابتدایی و متوسطه (کامل و ناقص) - به زبان ازبکی تدریس می‌کنند. اما در سال ۱۹۵۸ از زبان‌های روسی، قزاقی، قرقیزی، ترکمنی، تاجیکی و گاهی قازالپاقی در کار تدریس استفاده می‌شده است. می‌توان گفت که در دانشگاه‌های ازبکستان گرچه نه به‌طور قطع، زبان رشته‌های علوم انسانی و هنر به ازبکی و زبان رشته‌های فنی-تخصصی تماماً روسی است. برنامه‌های رادیو-تلویزیونی ازبکستان به زبان‌های ازبک، روسی و قزاقی پخش می‌شود. روزنامه‌های ازبکستان نیز به زبان‌های ازبکی، روسی، یونانی، تاجیکی و تاتار کریمه (که از شاخه ترکی جنوبی است) انتشار می‌یابد. الفبا و خط مردم ازبکستان تا سال ۱۹۳۰ عربی بود که تا این تاریخ دو بار تعدیل شد. میان سال‌های ۱۹۳۴ تا ۱۹۴۰ الفبای دومی به خط لاتین ابداع شد که باز هم جواگوی مسائل زبانی آن‌ها نبود. از سال ۱۹۴۰ خط سرلیک مستعمل شد و با آنکه در سال ۱۹۵۶ اصلاحاتی نیز در آن به عمل آمد باز هم الفبای گویایی برای زبان ازبکان نیست و انتظار می‌رود به علت مشابه‌نگاری برخی از واژگان، که هم دریافت معنی و هم حدس ریشه آن‌ها دشوار را دشوار می‌سازد، بازهم دستخوش دگرگونی‌هایی بشود(حاتمی، ۱۳۸۷: ۲۲۳-۲۲۱).

دانش زبان دوم

برطبق یافته‌های آژانس اطلاعات روسیه^۱، در سال ۲۰۰۳، ۵۷ درصد مردم ازبکستان حداقل کمی می‌توانند به زبان روسی صحبت کنند. بر اساس اطلاعاتی که از سایر منابع به دست آمده، حداقل ۷۰ درصد جمعیت کشور توانایی صحبت کردن حداقلی به زبان روسی را دارند. تحقیقات اخیر که بر روی دانشجویان، دانش‌آموزان، اساتید و معلمان انجام شده نشان می‌دهد که تنها یک درصد از آن‌ها ادعا کرده‌اند که زبان فعالیت‌های علمی و مقالاتی و مطالعاتی‌شان انگلیسی است (Aminov & others, 2010: 5).

^۱. Russian Information Agency (RIA)

تاجیکستان

در تاجیکستان، تاجیک‌ها و ازبک‌ها که اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند، معمولاً با زبان مادری خودشان صحبت می‌کنند. درصد حدودی استفاده از زبان مادری در بین این دو گروه بین ۹۵ تا ۹۸ درصد است. علاوه بر تاجیکی و ازبک، زبان‌های فارسی و قرقیزی نیز از زبان‌های مهم در این کشور به شمار می‌آیند. بر اساس یافته‌ها ۳,۳۴۰,۰۰۰ تاجیکی، ۸۷۳,۰۰۰ نفر ازبکی، ۶۴,۰۰۰ نفر قرقیزی و ۵۰,۰۰۰ نفر به زبان فارسی صحبت می‌کنند. امروزه جمعیت نژادی غالب تاجیکستان را تاجیک‌ها تشکیل می‌دهند، که حدوداً شامل ۷۵ درصد جمعیت این کشور می‌شوند. همچنین ازبک‌ها با جمعیتی حدود ۲۰ درصد در جایگاه دوم قرار دارند. بر اساس آمارها تا پایان سال ۲۰۰۶، روس‌ها و قرقیزها و سایر اقلیت‌ها هم ۵ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند. (Aminov & others, 2010: 4)

به‌رغم آنکه در برخی از نواحی جمهوری تاجیکستان مردم ترک‌زبان اکثریت دارند، زبان ملی این کشور تاجیکی است. می‌توان گفت که هم‌اینک بیش از دو میلیون نفر در این سرزمین به تاجیکی سخن می‌گویند.

شمار کثیری تاجیکی زبان در دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی و به‌ویژه جمهوری ازبکستان زندگی می‌کنند. گروه کوچکی از تاجیکی زبانان نیز در اطراف تاشکند و در راستای مسیر رود چیرچیک نشیمن گزیده‌اند. از اینجاست که قلمرو زبان تاجیکی وارد سرزمین جمهوری قزاقستان می‌شود. در جمهوری قرقیزستان و شهرهای ترکمنستان (نواحی جلال‌آباد و اشس) نیز عده‌ای تاجیکی زبان وجود دارد. گذشته از تاجیکان، برخی از گروه‌های کوچک نژادی آسیای مرکزی نیز به تاجیکی سخن می‌گویند، از آن جمله‌اند یهودیان آسیای مرکزی (یهودیان بخارا که خود را «ایوری» یا «یهودیان» می‌خوانند) که بیشتر در بخارا و سمرقند و کته‌گورگان و شهرهای میانی فرغنه زندگی می‌کنند. این زبان متعلق است به گروه زبان‌های جنوب باختری ایران و مبنای آن نیز لهجه‌های پارسی دوران سده‌های میانه است. زبان‌های تاجیک و فارسی امروز که هر دو وارث خصوصیات مشترکی هستند، نزدیکی بسیاری با یکدیگر دارند. هرآنچه به‌صورت تفاوت نیز جلوه می‌کند به‌هیچ‌وجه ریشه‌ای نیست، بلکه پیامد سرنوشت تاریخی متفاوتی است که نخست از آغاز دوره متأخر سده‌های میانه، و سپس آغاز حکومت شوروی بر دو ملت گذشته است. این تفاوت به‌هیچ‌وجه مربوط به مبانی دستوری و ذخیره اصلی واژگان نیست، بلکه بیشتر از نظر آوایی (فونتیک) و مشخصاً مربوط به حروف مصوت و تلفظ

آن‌هاست. زبان تدریس اکثر مدارسی در دوره‌های ابتدایی و متوسطه به صورت کامل یا ناقص تاجیکی است. البته در این امر زبان‌های ازبکی، قرقیزی، ترکمنی و بندرت قزاقی نیز کاربردهایی داشته‌اند. برنامه‌های رادیو-تلویزیون در تاجیکستان به زبان‌های تاجیکی، روسی و گاه ازبکی پخش می‌شود. روند نگارش خط در تاجیکستان به ترتیب از خط عربی به لاتین و سپس سرلیک بوده است. (حاتمی، ۱۳۷۸: ۲۲۷-۲۲۳).

دانش زبان دوم

قسمت بزرگی از تاجیک‌ها و ازبک‌ها که حدود ۳۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند، از دو یا سه زبان استفاده می‌کنند. تاجیک‌ها معمولاً از روسی در محل کار یا ارتباطات کاری و ازبک‌ها از روسی یا فارسی در فعالیت‌های حرفه‌ای یا رسمی‌شان استفاده می‌کنند. در تمام جمعیت تاجیکستان حدوداً ۲۵ درصد روسی را روان، ۶۰ درصد متوسط و ۱۵ درصد هم به صورت ضعیف توانایی صحبت به روسی را دارند. بیشتر جمعیت کشور دوزبانه هستند (تاجیکی / ازبکی و روسی) و در مناطق شهری مردم به صورت فراینده‌ای در حال سه زبانه شدن هستند. برنامه تحصیلی مدارس زبان روسی را به صورت اجباری از سطح مدارس ابتدایی در برنامه دارند. درصد جمعیتی که می‌توانند به زبان‌های خارجی مثل انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ترکی استانبولی و ... صحبت کنند، نسبتاً کم است و تنها چیزی در حدود ۱,۵ تا ۲ درصد می‌باشد (Aminov & others, 2010: 4-5).

ترکمنستان

امروزه در ترکمنستان، زبان ترکمنی توسط ۷۲ درصد جمعیت این کشور به عنوان زبان اصلی استفاده می‌شود. بعد از زبان ترکمنی، زبان روسی با ۱۲ درصد، ازبکی با ۹ درصد در جایگاه‌های بعدی قرار دارند و ۷ درصد باقیمانده نیز به زبان‌های دیگر تعلق دارند. در اوایل استقلال ترکمنستان در اوایل دهه نود میلادی کاربرد زبان ترکمنی، به‌غیر از میزان تفاوتی بسیار جزئی در مناطق شهری و روستایی، در تمام زمینه‌ها و مناطق تقریباً یکسان و هم‌اندازه بود.

بیش از ۷۲٪ جمعیت ترکمنستان را ترکمن‌ها تشکیل می‌دهند، بر همین پایه فقه‌الغه ترکی زبان ملی این مردم را زبان ترکمنی و از گروه زبان‌های ترکی جنوبی می‌دانند. به استناد

باسکاکف این زبان را می‌توان جز گروه اغوز، گروه فرعی اغوزترکمن هم طبقه‌بندی کرد. واژگان زبان ترکمنی حاوی واژه‌های قرضی فارسی و عربی، و روسی است. البته، طبیعی است این زبان به دلیل خاستگاه بیگانه‌ای که دست کم در قیاس با سه زبان فارسی، عربی و روسی دارد، در واژگان به وام ستانده، به‌ویژه از روسی قدیم، تعدیل‌هایی به عمل آورد. زبان تدریس اکثر مدارس روستایی ترکمنستان ترکمنی است، ولی شمار مدارس روسی‌زبان از ترکمنی‌زبان بیشتر است. البته پیش‌از این دوره همانند ازبکستان و شاید تاجیکستان، از زبان‌های قزاقی و ازبکی نیز برای تدریس استفاده می‌شد. در تدریس دانشگاهی نیز ظاهراً دانشگاه دولتی گورکی در عشق‌آباد دارای رشته زبان‌شناسی ترکمنی است و جز این تدریس دیگری به زبان ترکمنی در سطح دانشگاه صورت نمی‌پذیرد. برنامه‌های رادیو-تلویزیون ترکمنستان به دو زبان ترکمنی و روسی است. الفبا و خط مردم ترکمن تا سال ۱۹۲۲ عربی بود. اما همانند دو کشور دیگر ازبکستان و تاجیکستان دو بار تعدیل در آن به عمل آمد. از آن‌پس تا سال ۱۹۴۰ خط لاتین کاربرد داشت که در آن نیز سه بار تعدیل صورت گرفت. از سال ۱۹۴۰ بدین‌سو ترکمن‌ها از خط سریلیک استفاده می‌کنند. الفبایی که در حال حاضر برای بیان زبان ترکمنی و واژه‌های به وام گرفته از روسی استفاده می‌شود تا اندازه قابل قبولی گویاست، اما هنوز نمی‌تواند تفاوت واژه‌های کوتاه و بلند این زبان را به‌درستی نشان دهد و از این نظر کاستی‌هایی دارد که باید برطرف شود. (حاتمی، ۱۳۷۸: ۲۲۹-۲۲۷).

دانش زبان دوم

بسیاری از نژادهای ترکمنی هنوز به دو زبان ترکمنی و روسی صحبت می‌کنند، اما امروزه، حتی بیشتر ساکنان شهرها هم گرایش به صحبت به زبان ترکمنی در زندگی روزانه‌شان دارند. سایر ملیت‌ها از روسی برای تمام جوانب زندگی‌شان استفاده می‌کنند. همچنین اقلیت‌های ملی و نژادی معمولاً توانایی صحبت به دو یا سه زبان را دارند، زبان مادری‌شان، روسی و زبان ترکمنی که جوانان معمولاً به‌صورت فزاینده‌ای از صحبت به این زبان استقبال می‌کنند.

قرقیزستان

برطبق آمارهای رسمی دولت قرقیزستان که از اکثریت گروه‌های جمعیتی به‌دست‌آمده، درصد جمعیت هر نژاد و استفاده‌کنندگان از زبان آن نژاد به شرح زیر است:

گروه‌های نژادی	میران درصد جمعیت	درصد استفاده‌کنندگان زبان
قرقیزی	۷۰,۹	۷۱,۴
ازبک	۱۴,۳	۱۴,۴
روس	۷,۸	۹
مغولی	۱	۱
سایر	۶	۴,۲
منبع: 3: Aminov & others, 2010		

مردم جمهوری قرقیزستان مجموعه‌ای هستند از قرقیزها، روس‌ها، اوکراینی‌ها و ازبک‌ها که طبیعتاً به زبان خود سخن می‌گویند؛ با این همه، زبان ملی این سرزمین قرقیزی است که متعلق است به گروه زبان ترکی مرزی، و به گفته زبان‌شناس روسی، باسکاکف، می‌توان آن را جز گروه زبان‌های قرقیز-قپچاق نیز طبقه‌بندی کرد. این زبان، از پاره‌ای جهات، نزدیکی بسیاری با زبان آلتایی اویرات دارد که خود ز گروه زبان ترکی شرقی است. زبان قرقیزی دارای سه گروه گویش عمده است:

- گویش شمالی
- گویش جنوب خاوری
- گویش جنوب باختری

از سه گروه گویش بالا، گویش سوم، یعنی گویش جنوب باختری، به‌اندازه بسیار زیادی تحت تأثیر زبان‌های ایرانی است. زبان ادبی جدید قرقیزی در عین دارا بودن ویژگی‌های همه گویش‌ها بیشتر به گروه گویش‌های شمالی متمایل است. در این زبان واژگان مغولی بسیارند. برخی از واژگان مربوط به تجارت و کشاورزی از زبان ایرانی به وام گرفته شده‌اند. این به وام‌گیری از رهگذر ارتباطی که قرقیزها با جوامع ایرانی ساکن در آن خطه داشته‌اند، حاصل آمده است. از زبان عربی نیز واژگان مربوط به مذهب و تفکر دینی و مجردات به قرقیزی

راه یافته است. تأثیرپذیری واژگانی زبان قرقیزی از زبان روسی نیز بیشتر از آغاز حکومت شوروی بدین سو بوده است. میزان درصدی از مردم قرقیزستان زبان دوم دارند و هرکدام از این درصدها کدام زبان را به عنوان زبان دوم می شناسند:

روسی	۳۴,۵۰
قرقیزی	۴,۱۰
ازبکی	۱,۵۰
انگلیسی	۰,۵۰
منبع: (Aminov & others, 2010: 3)	

با در نظر زبان مادری و زبان دوم افراد، حدوداً ۴,۰۵۷,۱۰۰ نفر به زبان قرقیزی صحبت می کنند (۷۵,۶٪)، ۲,۳۳۶,۹۰۰ نفر به زبان روسی حرف می زنند (۴۳,۵٪) و ۸۵۴,۴۰۰ نفر به زبان ازبکی تکلم می کنند (۱۵,۹٪). (Aminov & others, 2010: 4)

الفبا و خط مردم قرقیزستان، همچون کشورهای پیش گفته، در آغاز عربی بود که به تدریج تعدیل یافت. در فاصله سال های ۱۹۲۸ تا ۱۹۴۰ از خط لاتین استفاده می شد و از ۱۹۴۰ بدین سو خط سریلیک کاربرد داشت است. الفبای کنونی قرقیزها نیز به رغم گویایی آشکارش هنوز اشکال هایی دارد و بعید نیست که در آینده ای نه چندان دور برای پاسخگویی به نیازهای جدیدتر، تغییراتی در آن به عمل آید. (حاتمی، ۱۳۷۸: ۲۳۱-۲۲۹).

قزاقستان

در قزاقستان:

- ۵۰ درصد جمعیت توانایی صحبت به زبان قزاقی را دارند.
- ۸۸ درصد جمعیت توانایی صحبت به زبان روسی را دارند.
- ۲ درصد جمعیت توانایی صحبت به زبان انگلیسی را دارند (Aminov & others, 2010: 1)

با آنکه سکنه قزاقستان را قزاق ها، روس ها، اوکراینی ها، ازبک ها، روس های سفید، و اویغورها تشکیل داده اند، با این حال، زبان ملی این سرزمین اویغوری جدید است که به استناد کتاب فقه الغه ترکی به گروه زبان های ترکی خاوری تعلق دارد. به نظر باسکاکف این زبان را می توان

جز گروه قرلغ، گروه فرعی قرلغ-خوارزم نیز طبقه‌بندی کرد. این زبان نزدیکی‌های با زبان ازبکی دارد(حاتمی، ۱۳۷۸: ۲۳۱).

زبان اویغوری چهار گویش عمده را در بر می‌گیرد:

- گویش جنوبی: شامل گویش‌های یارکندی، کاشغری، ختنی، آق‌سو و ینگ‌حصار
- گویش شمالی: شامل گویش‌های تورفانی، قره‌شاری و ایلی
- گویش لونبور: که اصلاً گویشی قرقیزی است و زبان اویغوری تأثیر بسیاری بر آن‌ها نهاده است.

- گویش هانسو: شامل گویش‌های سالاری، اویغورزدیایی و ساری

از این چهار گویش، نوع شمالی آن مورد استفاده اویغورهای شوروی است و سه نوع جنوبی، لونبور و هانسو را اویغورهای جنوبی چینی به کار می‌برند. به سبب همین اختلاف گویش، زبان‌های ادبی اویغورهای روسی و چینی نیز تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. در زبان‌های امروز اویغورهای چینی و روسی، واژگان عربی، فارسی، چینی و روسی نیز راه‌یافته است. ورود واژه‌های روسی به زبان ویغور از نیمه دوم سده نوزدهم بدین سو صورت پذیرفته است. هراندازه که زبان چینی آثار زبان روسی را در سرزمین خود می‌زداید، بر زبان اویغورهای ساکن در این سرزمین نیز تأثیرهایی می‌گذارد. در روسیه وضع برعکس است. بدین معنی که افزون بر اینکه در کار زدایش آثار زبان چینی است با واژگان عربی و فارسی نیز می‌ستیزد(حاتمی، ۱۳۷۸: ۲۳۱).

برطبق نظرسنجی که توسط دپارتمان توسعه زبان‌های وزارت فرهنگ قزاقستان در سال ۲۰۱۴ در ۱۴ منطقه انجام شده است، تعداد افرادی که زبان مادری‌شان را روسی یا قزاقی می‌دانند به شرح زیر می‌باشد:

زبان	سال ۲۰۰۰	سال ۲۰۰۴
قزاقی	۵,۹٪	۵۲,۶٪
روسی	۳۷,۳٪	۳۸,۷٪
سایر زبان‌ها	۱۰,۸٪	۸,۷٪

منبع: 2: Aminov & others, 2010

الفبا و خط مردم قرقیزستان، پیش از آمدن اسلام به این منطقه، بر پایه خط سغدی جدید استوار بود، اما پس از ورود اسلام خط عربی به کار گرفته شد. البته اویغورهای زرد تا سال‌های

آغازین سده نوزدهم میلادی از خط سغدی اویغوری استفاده می‌کردند که هم‌اینک نیز با تعدیل‌هایی ناچیز در مغولستان رواج دارد. (حاتمی، ۱۳۷۸: ۲۳۱)

در تحقیقی که در سال ۲۰۰۷ توسط انجمن روانشناسان و تحلیلگران سیاسی قزاقستان در هفده شهر این کشور درمورد درصد استفاده مردم این کشور از زبان‌های مختلف با اهداف مشخص تهیه شده، نتایج زیر حاصل شده‌است.

میزان درصد به‌کارگیری زبان‌ها توسط مردم برای اهداف خاص			
سایر	روسی	قزاقی	
۲	۷۴	۲۴	تماشای تلویزیون، خواندن روزنامه
۲	۷۰	۲۸	در مکان‌های عمومی
۳	۶۸	۲۹	در محل کار، شرکت‌ها، مؤسسات آموزشی
۳	۶۶	۳۱	با دوستان
۶	۵۴	۴۰	در خانواده

منبع: 2: Aminov, 2010

گرایش و اشتیاق به یادگیری زبان فارسی در میان شهروندان قزاقستان نیز در سال‌های اخیر بیشتر شده است. در همین راستا، پیش‌ازاین در آلماتا «دفتر مرکز مطالعاتی ایران» نیز افتتاح شد. هدف آن ترغیب شهروندان این کشور برای آموزش زبان و ادبیات فارسی و تحکیم روابط فرهنگی با کشورهای فارسی‌زبان اعلام شد.

میزان درصدی از مردمی که زبان مادری‌شان را قزاقی یا روسی در نظر می‌گیرند		
۲۰۰۴	۲۰۰۰	
۵۲,۶٪	۵۱,۹٪	قزاقی
۳۸,۷٪	۳۷,۳٪	روسی
۸,۷٪	۱۰,۸٪	سایر زبان‌ها

منبع: 2: Aminov, 2010

نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر اصطلاح دیپلماسی عمومی به‌وفور در صحنه سیاست و روابط بین‌الملل جهان شنیده می‌شود، اما استفاده از آن قدمتی به درازای تاریخ دارد و دولت‌ها درکنار تلاش برای تأثیرگذاری بر «دولت‌های» دوست، رقیب و متخاصم، تلاش‌هایی را برای فتح قلوب و اذهان ملت‌های آنان نیز در دستور داشته و دارند.

دولت‌ها و بازیگران سیاسی در روابط دیپلماتیک و عرصه سیاست خارجی، همواره متأثر از قدرت و ابعاد آن می‌باشند. قدرت از آغاز شکل‌گیری دولت‌ها و ملت‌ها بر رابطه آن‌ها حاکم بوده، اما در طی این مدت چهره‌های متفاوتی را از خودش به نمایش گذاشته است. بشر بعد از هزینه‌ها، تلفات و شکست‌های ابعاد سخت‌افزاری، به‌سوی قدرت نرم کشیده شد و پس از مدت اندکی پی به این امر خطیر برد، که بهره‌گیری از قدرت باید منوط به بهره‌گیری از دو وجه سخت^۱ و نرم^۲ باشد تا منتج به نتیجه مطلوب گردد. از این‌رو، به‌سوی قدرت هوشمند گسیل یافتند. قدرت فوق‌الذکر درصدد است تا از تمامی ابعاد قدرت درکنار ابزارهای نوین؛ مثل رسانه، سایبر و فضای دیجیتال بهره‌گیرد تا علاوه بر هزینه، حصول به هدف سریع‌تر، مطمئن‌تر و کم‌هزینه‌تر گردد. در این راستا از منابع مادی، معنوی و مجازی برای پیشبرد اهداف، به‌اندازه بهره می‌گیرد.

در شرایط حاضر، به‌تبع تغییرات شتابان در نظام بین‌الملل، نقش‌یابی مؤلفه‌ها و بازیگران جدید در روندهای بین‌المللی و تالی آن، ضرورت به‌کارگیری ابزارها و سازوکارهای جدید برای تأمین منافع، اهمیت دیپلماسی عمومی نیز دوچندان شده و این حوزه در ارتباطی تنگاتنگ با «قدرت نرم» و «جنگ نرم»، به عنصری مهم در سیاست خارجی کشورها تبدیل شده است.

برخی از جوانب دیپلماسی عمومی روسیه نیز در آسیای مرکزی همچون ایران صرف و متمرکز بر خنثی‌سازی تبلیغات کشورهای چوچون ایالات متحده، ترکیه و عربستان بر ضد خود می‌شود. اما نهایتاً هرگز دیپلماسی عمومی روسیه با ایران در یک چهارچوب و مسیر قرار ندارد، چون فرهنگ ارزش‌ها و هنجارهای سیاسی - اجتماعی روسی - مسیحی با فرهنگ و ارزش‌ها و هنجارهای سیاسی - اجتماعی ایرانی - اسلامی در یک راستا و چهارچوب قرار نمی‌گیرند و حتی

1. Hard

2. soft

در زمینه‌هایی مثل زبان تقابل دیپلماسی عمومی روسیه و ایران منتهی به یک بازی سرجمع صفر می‌شود.

اما در نهایت روس‌ها به علت نهادهای متمرکزی که در عرصه دیپلماسی عمومی دارند و تقسیم‌کار منظم و برنامه‌ریزی و هماهنگی بهتر میان نهادهای مختلف دیپلماسی عمومی عملکرد بهتری در زمینه دیپلماسی عمومی و خصوصاً در منطقه آسیای مرکزی داشته‌اند. از نمونه توفیقات و ابتکارات دیپلماسی عمومی روس‌ها در آسیای مرکزی می‌توان به نشست‌هایی اشاره کرد که بنیاد گورچاکف برگزار می‌کند و متأسفانه نمونه این نشست‌ها در ایران وجود ندارد. در این نشست‌ها کارشناسان و صاحب‌نظرانی از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در روسیه گردهم می‌آیند و در مورد مسائل مختلف و سیاست‌های روسیه به بحث و تبادل نظر می‌پردازند، این نشست‌ها که حتی گاهی همراه با مخالفت‌هایی جدی نسبت به سیاست‌های روسیه است با امکان دادن به شرکت‌کنندگان برای ابراز انتقادهای خود، نه تنها مفید، بلکه کمکی برای آسیب‌شناسی، رفع اشکالات و اصلاح تاکتیک‌ها و راهبردهای سیاست خارجی روسیه نیز است..

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- حاتمی، داوود (۱۳۸۷). «چشم‌انداز زبان فارسی در آسیای مرکزی»، ایران شناخت، شماره ۱۲.
- رشید، احمد (۱۳۸۷). **جهاد-اسلام پیکار جو در آسیای مرکزی**، مترجم جمال آرام، تهران: عرفان.
- شکوری، شریف و رستم شکوری (۱۳۸۸). **آسیای مرکزی: در آمدی بر روحیات مردم**، ترجمه محمدجان شکوری بخارایی و منیژه قبادیانی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- عسگریان، عباس قلی (۱۳۸۶). «جوامع مسلمان و سازمان‌های اسلامی فدراسیون روسیه»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۵۹.
- عسگریان، عباس قلی (۱۳۹۴). «جایگاه دیپلماسی عمومی در رقابت جدید ایالات متحده آمریکا و فدراسیون روسیه (بازتولید جنگ سرد در عرصه دیپلماسی عمومی)»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۲۳.
- علوی مقدم، مهیار (۱۳۷۱). «هویت زبانی و قومی در آسیای مرکزی»، **فصلنامه کیهان اندیشه**، شماره ۵۶.
- کلاشی، ناهیده (۱۳۸۹). «نقش و جایگاه کلیسای ارتدوکس در نظام سیاسی روسیه»، **مجله ادیان و عرفان**، شماره دوم، سال چهل و سوم.
- گلشن پژوه، محمودرضا؛ کاردا، عباس؛ کلاهی خیابان، حسن سعید (۱۳۸۲). **گسل‌های منازعه در آسیای مرکزی و قفقاز**، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

ب) منابع انگلیسی

- Выступление Медведева, Д.А., на Совещании руководителей представительств Россотрудничества за рубежом 04.09.2012 г:
<http://www.ruskiymir.ru/ruskiymir/ru/publications/articles/article0940.html>.
Дата обращения: 5.1.2015.
- Никонов В. О статусе русского языка в мире:
<http://www.ruskiymir.ru/ruskiymir/ru/publications/articles/article0763.html?print=true>. Дата обращения: 9.01.2015.
- Культура России, Министерство культуры Российской Федерации, программа на 2006-2011 гг. // <http://fcpkultura.ru>. Дата обращения: 22.12.14.
- Анхольт С. Международный имидж России. Почему он важен? // РИА-Новости. 15.09.2013 [ria.ru/valdaiclub_anniversary_comment/ 2013/09/15/963257442.html# 13826836627483& message=resize&relto= register &action=add Class& value= registration.

- Шмагин. Е. А.(2013). Культура и дипломатия // Международная жизнь, № 3. С. 61-73.
- Rywkin, Micheal (1990), **Moscow's Muslim Challenge**, London: Hurst & Company.
- Mainville, Michael (2006), Russia has a Muslim dilemma Ethnic Russians hostile to Muslims / Followers of Islam say they have been citizens a long time, Retrieved in 28 may 2016 from <http://goo.gl/OEn8hx>